فهرست

[مقدمه 2](#_Toc103688773)

[مفهوم‌شناسی ایذاء در کتب لغت 2](#_Toc103688774)

[نظر استاد درباره مفهوم ایذاء 2](#_Toc103688775)

[معنای کراهت در لغت 3](#_Toc103688776)

[فرق مفهوم اذیت و ضرر 4](#_Toc103688777)

[احتمال اول: رابطه عموم و خصوص مطلق 4](#_Toc103688778)

[احتمال دوم: رابطه عموم و خصوص من وجه 5](#_Toc103688779)

[سؤال و جواب 5](#_Toc103688780)

بسم‌الله الرحمن الرحیم

# موضوع: فقه روابط اجتماعی / ایذاء

# مقدمه

به گمانم بحث پنجم در فقه روابط عام اجتماعی باشد که بحث ایذاء است و در مقابلش اقداماتی نظیر خوشحال کردن دیگران قرار می‌گیرد.

# مفهوم‌شناسی ایذاء در کتب لغت

گفتیم در آغاز مفهوم‌شناسی به‌عنوان بحث آغاز مطرح می‌شود. بررسی می‌کنیم که ایذاء و اذیت و اذی از چه معنایی برخوردار است و نقطه مقابلش چیست و نسبتش با بعضی امور دیگر که قریب به این معناست چیست؟ این کلمات را از کتب لغت هفته قبل به گمانم خواندیم که در مصباح آمده بود: اذی الرجل اذی که لازم آن است یعنی اذیت شد و آزار دید. در مصباح المنیر آمده وصل الیه المکروه در مقاییس هم آمده اصل واحد و هو الشیء تتکره و لاتقر علیه. چیزی که آن را نمی‌پسندی و هنگام مواجهه می‌گویند اذیت شدی. این در دو کتاب مهم و کتب اصلی لغت عرب است و در هردو کراهت به‌عنوان هسته اصلی اذیت و اذی آمده است. طبعاً به این معنا وقتی متعدی می‌شود و به باب افعال می‌رود و تبدیل به ایذاء می‌شود یعنی متوجه کردن امر مکروه به دیگری.

برخلاف این دو تعبیر در این دو منبع در مفردات بیان دیگری در تعریف آمده است: الاذی ما یصل الی الحیوان من الضرر اما فی نفسه او جسمه او تبعاته دنیویا کان او اخرویا. در این بیان هسته اصلی به‌جای آن کراهت و تکره تبدیل به ضرر شده است. البته گفته ما یصل الی الحیوان من الضرر. منتهی این تعبیر را دو نحو می‌توان تفسیر کرد.

1. تفسیر اولیه که به‌جای تکره و کراهت عنوان ضرر ذکر شده و بعد خواهیم گفت بین اینها یا من وجه است یا مطلق.
2. چون اینجا می‌گوید ما یصل الی الحیوان من الضرر من الحیوان شاید منظورش این است که این ضرر متوجه موجود ذی‌شعور است و او را آزار می‌دهد و کراهتی در نفس او پدید می‌آورد. با این تفسیر خیلی نزدیک به چیزی می‌شود که در کتب دیگر آمده. زیرا کراهت درجایی است که ضرری متوجه کسی می‌شود. لذا ممکن است بگوییم آنچه در مفردات آمده به تکره برمی‌گردد زیرا کراهت درجایی است که ضرری آمده منتهی متوجه کسی می‌شود که آگاهی دارد و در او کراهتی برمی‌انگیزد. پس طبق معنای دوم تعبیری که اینجا آمده به کراهت برمی‌گردد.

## نظر استاد درباره مفهوم ایذاء

خواهیم گفت دقیق‌تر این است که معنای اذی، کراهت و تتکره است. اذیت و آزار از مقوله‌ای است که در آن استشعار وجود دارد. تا اینجا بنا بر یک تفسیر از کلام مفردات می‌توان گفت که تفاوتی بین کتب لغت در تفسیر و تعریف اذیت است. یک کتاب‌های لغتی که بیشتر هستند و می‌گویند آن هسته اصلی معنای اذیت تکره و کراهت است. دوم آنچه در بعضی آمده که ضرر ذکر شده است. اما بنا بر یک تفسیر کتب لغتی که ضرر آورده و ما یصل الی الحیوان آمده احتمالاً می‌خواهد بگوید ضرر واصل به موجود ذی‌شعور باعث کراهت می‌شود و احتمالاً کراهت را می‌خواهد بگوید. به‌هرحال روشن است آنچه اینجا می‌توان پذیرفت تفسیر اذیت به کراهت است نه به ضرر. وجهش هم دو چیز است:

1. در عمده کتب و کتب اصیل همین تکره آمده است. مفردات هم کتاب متأخری است که هم تأخرش مانع می‌شود بتوان خیلی به آن اعتماد کرد و هم اینکه رنگ تحقیق و اجتهاد در آن برجسته است. ازاین‌جهت است که به همان کتبی که ماده را به تکره معنا می‌کنند باید اعتماد کنیم.
2. تبادر ما هم همین است. وقتی می‌گوییم اذیت و اذی که در فارسی به آزار ترجمه می‌شود چیزی فراتر از ضرر را افاده می‌کند. ضرری که به شخص متوجه شود ولی او درکی پیدا نکند و در فاهمه و قوه آگاهی و شعور او بازتابی پیدا نکند، اذیت بر این اطلاق نمی‌شود. این روشن است.

البته اشکالی ندارد بگوییم اذیت احیاناً به نحو مجاز در مطلق تضرر هم به کار می‌رود. گاهی مجازاً می‌گوییم اذیت کرد ولو خودش نفهمیده. اذیت کرد یعنی ضرری به آن رسانده است. این مجازی است. حال برای مشخص شدن معنای اذیت باید کراهت را در لغت ببینیم. تا اینجا با این دو دلیل گفته شد معنای اصلی اذیت و اذی تکره و کراهت است و اگر احیاناً در مطلق ضرر بدون استشعار به کار رود مجازی است. به دلیل لغت و تبادر.

## معنای کراهت در لغت

ازاینجا بعد این جمع‌بندی منتقل می‌شویم که کراهت که به‌عنوان هسته اصلی معنا آمده به چه معناست؟ در کراهت هم کتب لغت مراجعه کنیم این‌طور می‌بینیم که در مقاییس این‌طور آمده است: کراهت اصل صحیح واحد یدل علی خلاف الرضا و المحبه. یک اصل بیشتر ندارد و آن مفهومی مقابل رضا و محبت است. بعد می‌گوید و یقال بل الکره المشقه. در مصباح می‌گوید کرهته ضد احببته. اینجا تعبیر خلاف نیامده ضد آمده کمی گویاتر است گرچه آن هم گویا بود. ضد اوست نه فقط نفی او به نحو نفی مطلق. کراهت ضد رضا و محبت است. گاهی نسبت به چیزی انسان رضا دارد گاهی در نقطه مقابل آن کراهت دارد. پس رضا و کراهت ضدان می‌شوند. بنا بر تعبیری که در مقاییس است خلاف الرضا و بنا بر تعبیر مصباح ضد المحبه است که همان رضا است. در ادامه می‌گوید الکره المشقه و الکره بالضم القهر. اینها تفاوت‌هایی است که واژگان در ادامه پیدا می‌کنند. بنابراین هسته اصلی معنا با دو دلیلی که گفتیم اذیت و کراهت است. کراهت هم اینجا یعنی خلاف الرضا و المحبه. دوست داشتن راضی بودن و قانع بودن و پسندیدن چیزی رضایت و محبت شیء است و کراهت یعنی نمی‌پسندد. نه فقد محبت و رضا بلکه خلاف رضا و محبت. این هم هسته اصلی کراهت و محبت است که خلاف رضا و ضد رضا می‌شود که حالت نپسندیدن است.

منتهی آنچه در هر دو متأخرا عنوان مشقت و قهر ذکر شده لوازمی است که بر آن مترتب می‌شود. چیزی را که نمی‌پسندد وقتی می‌خواهد انجام دهد با مشقت و کُره است. درآیات قرآن هم داریم **﴿طَوْعًا أَوْ كَرْهًا﴾**

-: چهار جا **﴿طَوْعًا أَوْ كَرْهًا﴾** داریم. در جای دیگر  **﴿حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا﴾**[[1]](#footnote-1)

در التحقیق که خیلی به آن نظر نداریم دارد الکراهه یقابل الاراده و الاراده طلب مع الاختیار اراده انتخاب شیء است طلب مع الاختیار است. اراده کرد چیزی را یعنی با اختیار دنبال آن رفت. کراهت مقابل این است. پس در کراهت می‌بینیم که چند تعبیر آمده است. یک تعبیر ضد و مخالف رضا و محبت است. که هسته اصلی است که در لغت‌های مادر و پایه آمده است. گاهی هم تعبیر به مشقت شده و گاهی تعبیر به قهر شده است و در التحقیق آمده ما یقابل الاراده. اراده طلب با انتخاب است و کراهت یعنی طلب بدون اراده یا ضد طلب با اراده. اینکه چیزی را با اراده طلب نمی‌کند. این چهار تعبیری است که اینجا آمده است. به نظر می‌آید اینجا هم با توجه به تبادر هم کتب اصلی لغت باید بگوییم کراهت ضد الرضا است. بله چون لازمش مشقت یا قهر است در آن دو به‌کاررفته است.به دلیل اینکه چیزی را که نمی‌پسندد انتخاب نمی‌کند یا انتخاب با طلب و اراده با آن نیست گفته شده مقابل اراده است. این معانی مشقت و قهر و مقابل اراده لوازمی است که متأخرا برای این پیدا شده است اما هسته اصلی آن ضد الرضا و المحبه است. این هم گام دومی است که اینجا برداشته شد.

بنابراین با این دو گام به این می‌رسیم که اذیت یعنی آنچه مقابل رضا و محبت است. چیزی که شخص آن را نمی‌پسندد و او را آزار می‌دهد. نمی‌پسندد و نپسندیدن و ضد پسند نوعی برانگیختگی و این چیزها را ایجاد می‌کند. این معنای اصلی اذیت است. چیزی که خلاف پسند شخص است. چیزی که خلاف پسند شخص باشد ریشه آن ضرری است که به او وارد کرده است. ولو ضرر موهومی. او را آزار می‌دهد.

# فرق مفهوم اذیت و ضرر

حال سراغ آن چیزی برویم که در بعضی کلمات در تفسیر اذیت و ضرر بود. ضرر در مقاییس این‌طور بود که للضرر اصول ثلاثه. اصل واحد ندارد سه اصل دارد و اولین آنها خلاف النفع است. در مصباح دارد که الضر الفاقه و الفقر اینها مصادیقی از آن است. در ادامه می‌گوید ضره اذا فعل به مکروها. در مفهوم نفع هم آمده یعنی خیر. پس ضرر مقابل خیر است. یعنی شر. این هم مفهوم ضرری است که در اینجا آمده بود.

## احتمال اول: رابطه عموم و خصوص مطلق

بنابراین مفهوم ضرر و نفع هم یعنی خیر و شری که متوجه کسی یا چیزی می‌شود. ولی در مفهوم ضرر و نفع نیامده که او هم آگاهی پیدا می‌کند. ضرر ممکن است به چیزی یا کسی متوجه شود بدون اینکه از آن اطلاعی پیدا کند و ممکن است همراه بااطلاع و آگاهی باشد. عرض ما با گذر از چند مرحله لغت‌شناسی این است که بین مفهوم اذیت و ضرر دو احتمال وجود دارد که اقوی الاحتمالین این است که بینشان عموم و خصوص مطلق است. ضرر یعنی شری و خسارت و نقصی که به کسی وارد می‌شود. حال در هر جهتی از جهات و هر قلمروی همین‌که نقصی وارد می‌شود و کاستی و شری متوجه او می‌شود این ضرر است. اذیت همان ضرر است و نقصی است که متوجه می‌شود به‌گونه‌ای که او آگاه است و از آن بدش می‌آید. خلاف آن رضا در آن پیدا می‌شود. ضد رضا در آن پیدا می‌شود. این بنا بر احتمال اقوی درست است. اذیت هسته اصلی‌اش تکره و کراهت است و تکره و کراهت ملازم با ورود ضرر و شری است که فرد را آزار می‌دهد و موجب اذیت می‌شود. بنابراین احتمال اول هر ایذائی اضرار است ولی هر اضراری ایذاء نیست. اگر به کسی ضرری وارد کرد درحالی‌که او نمی‌داند و بدون اینکه بفهمد از حسابش پولی برداشت و تا آخر هم نفهمید حسابش را دست‌کاری کرده و پولی برداشته است. اینجا ضرر زده ولی اذیتی محقق نشده. جز اینکه بگوییم اذیت معنای مجازی دارد که آن را هم می‌گیرد و معنای مجازی این نیست.

## احتمال دوم: رابطه عموم و خصوص من وجه

احتمال دوم که ممکن است توهم شود این است که بین اذیت و ضرر من وجه است. زیرا همان‌طور که ضررهای غیرآگاهانه وجود دارد که موجب تکره نمی‌شود ممکن است بگوییم اذیت‌هایی وجود دارد که طرف اذیت می‌شود ولی برایش ضرری ندارد. شاهدش هم این است که **﴿عَسى‏ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئاً وَ هُوَ خَيْرٌ لَكُم﴾**‏.[[2]](#footnote-2) بدش آمده و اذیت شده ولی خیر برای او بوده است. این را کسی شاهد بگیرد که بین اینها من وجه است و همان‌طور که ماده ضرر از کراهت داریم ماده افتراق کراهت از ضرر هم داریم. اما این شاید تام نباشد زیرا آیه که می‌گوید عسی ان تکرهوا شیئا و هو خیر لکم این‌طور هم می‌توان معنا کرد که ممکن است شما چیزی را ناپسند بدانید و ضرری هم به شما متوجه کرده اما در واقع جلو ضرر مهم‌تری را گرفته است. این در درجات ضرر است که می‌گوید تکرهوا شیئا و هو خیر لکم. و الا همین‌که انسان ناراحت می‌شود این خودش ضرر است. خود ناراحت شدن درد کشیدن نوعی ضرر است. نقصی متوجه شد چون حال طبیعی شخص و خیر و نفع این است که راحت باشد و در آزار و ضرر نباشد. اینکه درد روحی می‌کشد این اذیت و ضرر است. منتهی ضرر در تزاحمات گفته می‌شود این ضرر با توجه به اینکه دفع ضرر بالاتری کرده و هو خیر لکم می‌گوید. در مقایسه می‌گوید خیر لکم نه اینکه به‌طور مطلق خیر است. به‌طور مطلق خیر نیست. آزاردیده است. وقتی هم آزاردیده و متوجه انواع آلام می‌شود در حال زجر کشیدن و ضرر دیدن است. لااقل ضرر روحی می‌بیند. اینکه می‌گوییم و هو خیر لکم یعنی این ضرر مقدمه نفع بالاتری است. لذا احتمال دوم شاید توهمی باشد و قابل جواب باشد و به‌احتمال ‌قوی‌تر نسبت را باید عموم و خصوص مطلق گرفت.

# سؤال و جواب

سؤال: بالوجدان مواردی داریم که اذیت هست ولی ضرر نیست. یعنی توهم ضرر طرف می‌کند. اگر اذیت را در دایره حقوقی ببریم ....

جواب: ذات اذیت هیچ منفعت مادی را هم سلب نکند ذاتش این است که نفع روحی و روانی را از او گرفته است. یعنی تضرر روان‌شناختی روحی پیدا کرد.

سؤال: اگر این باشد ازلحاظ حقوقی طرف مقابل را می‌توان محکوم کرد.

جواب: خیر هر ضرری حکم کیفری ندارد. هر ایذاء و ضرر زدنی هم حرام نیست. مثلاً از نوع راه رفتن شخصی دیگری ناراحت می‌شود ولی این حرام نیست.

اگر ضرر را کسی بگوید یعنی نقص بدنی یا جسمی یا دنیوی و اخروی که خاص باشد بله در این صورت متفاوت از ایذاء و من وجه می‌شود. اما اگر توجه کنیم که خود کراهت ضرر است.

سؤال: آنجا هم عرف می‌گوید تو را اذیت نمی‌کند تو خودت مشکل‌داری.

جواب: بالاخره همین مشکل ضرری است. با فرض این روحیه این ضرر کرده است.

سؤال: عدم نفع را می‌گویند نمی‌گویند شر است.

جواب: ضد است. باید چیزی را از دست بدهد. تکره ضد رضا است. ضد رضا یعنی آشفتگی روحی دارد نه اینکه حالت عادی نه رضا و نه کراهت است. آشفتگی روحی دارد. بد آمدن نوعی ضرر است که متوجه شده است.

ما هم ابتدا گفتیم عموم من وجه است اما ظاهرش این است که مطلق است. مگر اینکه کسی بگوید ما این درجه ناراحتی که امر روان‌شناختی است را بگوییم ضرر نیست.

سؤال: قبول داریم ضرر است ولی می‌گوییم گاهی احساس است. گاهی عرف می‌گوید این را اذیت کننده نمی‌داند. می‌گوید مشکل از توست.

جواب:این را در انصراف دلیل می‌توان گفت ولی بالاخره کاری کرد که برآشفته شد. همین‌که کراهتی در او برانگیخت کراهت در او ضرری است که برآشفت. به او هم نسبت داده می‌شود که کراهتی را در او به وجود آورد. در این صورت مطلق است که درستش هم همین است. مگر اینکه کسی بگوید این درجات ضرر نیست که من وجه می‌شود.

سؤال: در اذیت مجرد اینکه ازنظر روانی متأذی شود اما در ضرر به نظر می‌آید عرف برآیند را لحاظ می‌کند. مثلاً در آمپول خوردن می‌گوید اذیت شدم نمی‌گوید متضرر شدم.

جواب: نه. قیدش را روشن کنیم. خسارت و ضرر روحی و روانی پیدا کردم چرا نتواند بگوید؟

سؤال: ضرر و کراهت لازم و ملزوم هم‌اند نه اینکه یکی باشند.

جواب: ما یکی نمی‌گوییم بلکه می‌گوییم معنای آنها دو تاست. ما نمی‌گوییم هسته اصلی معنای اذی ضرر نیست که مفردات گفت بلکه کراهت است. ضرر شری است که به‌طرف متوجه می‌شود. این در مقام مفهوم‌شناسی است. منتهی این کراهت اگر چیز دیگری غیر از کراهت نباشد صدق مفهوم ضرر بر آن می‌کند. مصداق ضرر است. من وجه و اینها را که می‌گوییم بحث انطباق صدق است نه مفهوم. لذا ازنظر مفهومی ایذاء و اذیت و ضرر گفتیم دو باب است. منتهی این دو متخالف ازنظر معنا ازلحاظ انطباق و صدق می‌توان گفت من وجه است یا مطلق است. ابتدا من وجه به ذهن ما می‌آمد ولی با دقت دیدیم مطلق درست می‌شود. البته خیلی مهم نیست. مهم است ازاین‌جهت که وقتی می‌گوییم اضرار نکن باید ببینیم اذیت را می‌گیرد یا نه. به نظر ما اگر دلیلی درباره ایذاء نداشتیم و دلیل می‌گفت لا ضرر و لاضرار ضرر به غیر نزن؛ به نظرم اطلاقش اینکه شخص را ناراحت می‌کند بدون اینکه ضرر مادی بزند به نظرم اضرار این را هم می‌گرفت. می‌گوید ازنظر روان‌شناختی مشکلی ایجاد کرد.

سؤال: ازنظر روان‌شناختی حالت هرکس با دیگری فرق دارد

جواب: بله. شر به دیگری تابع ساختمان وجودی اوست. ماهی را در آب بیندازی ضرر نزدی اما انسانی که شنا بلد نیست را بیندازی ضرر زدی. انسانی زودرنج است اگر تو هم به او بگویی آسیب روان‌شناختی به او می‌رسد اما دیگری راحت است بالاتر هم بگویی اذیت نمی‌شود آسیب روانی هم نمی‌بیند. این دووجهی است که وجود دارد. یا مطلق است یا من وجه است. ما تقریباً مطلق را ترجیح می‌دهیم.

سؤال: شاید در مفهوم ضرر عرف یک چیز مجموعی در نظر می‌گیرد. مثلاً اذیت شدم ولی درمجموع نمی‌گوید ضرر است. ضرر مفهوم مجموعی است.

جواب: مجموعی در همه‌جا این‌طور است. مثلاً درباره ضرر می‌توان گفت مکه رفت 20 میلیون مثلاً ضرر مالی کرد اما چیزی که به دست آورده درمجموع ضرر نکرد. گاهی نگاه تجزیه‌ای می‌کند گاهی جمعی. آن خیلی به این کمک نمی‌کند. درعین‌حال ممکن است کسی بگوید مواردی درجاتی از آزار روحی داریم که ما به آن ضرر نمی‌گوییم. اگر کسی تبادرش این است باید بگوید من وجه است و الا مطلق است.

درهرصورت توجه کنید ما باب اذیت را ازلحاظ مفهوم شناختی از باب ضرر جدا کردیم. گفتیم سخن مفردات که اذیت را به ضرر تفسیر می‌کنند درست نیست. مفهوم‌شناسی اذیت همان کراهت و ضد الرضا و کره و مشقت و این‌طور چیزهاست و در آن ضرر نیست. منتهی در مقام انطباق و صدق این دو وجه است که عرض کردیم.

1. . سوره احقاف، آیه 15. [↑](#footnote-ref-1)
2. . سوره بقره، آیه 216. [↑](#footnote-ref-2)